نامزدی کلیچدار اوغلو در انتخابات ریاست‌جمهوری ترکیه

محمود فاضلی
دیپلمات پیشین و تحلیلگر امور بین‌الملل

سرانجام پس از مدت‌ها گمانه‌زنی و رایزنی‌ها میان احزاب ترکیه موسوم به میز شش‌گانه، کمال کلیچداراوغلو رهبر حزب جمهوری خلق بعد از حل بحران با حزب «خوب» به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری شش حزب مخالف معرفی شد. در پی این ائتلاف، نقشه راه روند گذار از نظام ریاست‌جمهوری به نظام پارلمانی تقویت شد و از سوی شش حزب به امضا رسید. در این نقشه راه، به موضوعات مختلفی اشاره شده که بخش‌های مهم آن به شرح زیر است: در روند گذار به نظام پارلمانی تقویت‌شده، ترکیه در راستای متون مورد توافق، در چارچوب قانون اساسی، قوانین، اصول و اساس تفکیک قوا، موازنه‌ها و نظارت‌ها و با رایزنی و مصالحه مدیریت خواهد شد. تغییرات در قانون اساسی برای گذار به نظام پارلمانی تقویت خواهد شد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن بر اساس ساختار مجلس نمایندگان که در انتخابات عمومی شکل خواهد گرفت، به اجرا گذاشته خواهد شد. توزیع وزارتخانه‌ها براساس شمار نمایندگانی که احزاب سیاسی ائتلاف ملت در انتخابات عمومی وارد مجلس خواهند کرد، انجام خواهد شد. هرکدام از احزاب ائتلاف حداقل یک وزیر در کابینه خواهند داشت. انتصاب و عزل وزرا از سوی رئیس‌جمهوری و با توافق رهبر حزب سیاسی که وزیر تابع آن است، انجام خواهد شد. رئیس‌جمهوری اختیارات و وظایف اجرائی خود را بر اساس اصول مشارکت، مشورت و مصالحه ایفا خواهد کرد. رئیس‌جمهوری در موضوعاتی نظیر تجدید انتخابات، اعلام حالت فوق‌العاده، سیاست‌های امنیت ملی، تصمیمات و بخش‌نامه‌های ریاست‌جمهوری و اصلاحات کلی و انتصاب‌ها در سطوح عالی، با رهبران احزاب ائتلافی مشورت کرده و تصمیم خواهد گرفت. به دنبال اعلام نامزدی کلیچداراوغلو برای ریاست‌جمهوری، وی پس از اعتماد رهبران ائتلاف ملت مدعی شد: مسیر طولانی‌ای را با یکدیگر خواهیم پیمود. مرال آکشنر، رئیس حزب حرکت ملی، اعلام کرد: «با اراده ملت، تاریخ خواهیم نوشت». علی باباجان، رهبر حزب «دوا» اظهار کرد: «همان‌گونه که شهروندان ما با وجود هوای سرد، ساعت‌ها در مقابل ساختمان حزب منتظر مانده و بیان کردند «متحد شده، پیروز خواهیم شد». اکنون زمان همبستگی ترکیه است. شب انتخابات، موفقیت تاریخی را امضا خواهیم کرد». احمد داوود‌اوغلو، رهبر حزب آینده تأکید کرد: «نامزد ریاست‌جمهوری ما به‌عنوان ائتلاف ملت، آقای کلیچداراوغلو است. به ملت و کشورمان تبریک می‌گویم. همگی با هم پیروز خواهیم شد. این پیروزی، طرف بازنده نخواهد داشت». گولتکین اویسال از حزب دموکرات مدعی شد: «تلاش ما این است که جوانان کشور در سرزمینی که متولد شده‌اند، رؤیا ببافند و بدون بدهی متولد شوند. ملت ما بدون ترس زندگی کنند، هرکس نظر خود را بیان کند، این مرز و بوم مجددا پربرکت شود، اصناف و کشاورزان تولید کنند و... . دغدغه ما حاکمیت مجدد ملت بر سرنوشت خود است؛ بنابراین نامزد ما، دموکراسی، جمهوریت، عدالت و حریت یک ملت است. امیدواریم نامزدی کلیچداراوغلو مایه خیر و برکت برای ملت باشد». کارملا‌اوغلو، رهبر حزب سعادت، امیدوار است نامزدی کلیچداراوغلو برای ملت و کشور مایه برکت باشد. نامزدی کلیچداراوغلو بازتاب وسیعی در رسانه‌های بین‌المللی داشت. «نیویورک‌تایمز» مدعی شد اپوزیسیون ترکیه که قصد پایین‌کشیدن اردوغان از کرسی ریاست‌جمهوری را دارد، تنها دو ماه مانده به انتخابات، یک سیاست‌مدار مخالف ارشد را به‌عنوان نامزد ریاست‌جمهوری معرفی کرد. درحالی‌که اردوغان در ۲۰ سال گذشته به‌عنوان قوی‌ترین سیاست‌مدار کشور قدرت را در دست دارد، کلیچداراوغلو با گفتن «اردوغان موجب فرسایش دموکراسی در کشور شده»، وعده تغییر این وضعیت را داده است.

خبرگزاری «رویترز» مدعی شد انتخابات ۱۴ می، ماهیت «انتخابات تاریخی» را برای ترکیه دارد. کلیچداراوغلو به‌عنوان یک کارمند سابق دولت می‌تواند علاوه بر بحران اقتصادی و افزایش نرخ تورم که سال‌هاست ادامه دارد، با انتقاد از دولت به دلیل زلزله اخیر ترکیه که منجر به کشته‌شدن بیش از ۵۲ هزار نفر شد، شانس پیروزی خود را افزایش دهد. گاردین نیز نوشت: «با توجه به اثرات سیاسی زمین‌لرزه ماه گذشته و انتقادها از بی‌کفایتی دولت در مداخله در این حادثه، انتخابات فرصت جدیدی به اپوزیسیون برای رجزخوانی در برابر اردوغان و حزب عدالت و توسعه می‌دهد. نگرانی‌های گسترده‌ای مبنی بر اینکه انتخابات ماه می آخرین فرصت به‌لحاظ حفظ دموکراسی و جلوگیری از گرایش کشور به سوی مدیریت استبدادی خواهد بود، مطرح است». به نوشته بلومبرگ «انتخابات ۱۴ می در ترکیه به دلیل وضعیت بازارهای بورس و سیاست‌های اخیر در این کشور، برای سرمایه‌گذاران بین‌المللی که ترکیه را ترک کرده‌اند نیز اهمیت حیاتی دارد».

به اعتقاد بی‌بی‌سی‌نیوز «اپوزیسیون ترکیه که عموما منسجم نیست، این بار درباره یک نامزد مشترک برای رقابت با اردوغان در ماه می به توافق رسید. بحران اقتصادی و زلزله اخیر می‌تواند وضعیت اردوغان را در مقایسه با انتخابات قبلی شکننده‌تر کند». وال‌استریت‌ژورنال مدعی شد: «حزب مخالف ترکیه در برابر اردوغان که به دلیل مدیریت زلزله مورد انتقاد قرار گرفته است، وارد انتخابات می‌شود. کلیچداراوغلو فردی است که به‌مدت طولانی حزب تأسیس‌شده توسط آتاتورک را مدیریت کرده است. او در بین محافل اپوزیسیون به‌عنوان فردی که برای تأسیس مجدد دموکراسی در ترکیه تلاش می‌کند، مورد احترام است».

چالش‌های اصلاحات قضائی نتانیاهو

«بی‌بی» علیه منافع واشنگتن

عکس: AP

ایالات متحده آمریکا از زمان تأسیس اسرائیل به‌عنوان متحد نزدیک در کنار آن قرار گرفت و همکاری‌های دوجانبه تنگاتنگی میان این دو در بخش‌های گوناگون وجود دارد. بر اساس یادداشت تفاهمی که میان آنها در بخش کمک‌های نظامی به امضا رسیده، آمریکا ملزم است سالانه ۳.۳ میلیارد دلار در بخش نظامی اسرائیل هزینه کند. افزون بر آن، آمریکا از سال مالی ۲۰۱۹ تا سال مالی ۲۰۲۸ باید ۵۰۰ میلیون دلار سالانه به برنامه دفاع موشکی مشترک واشنگتن - تل‌آویو بپردازد. اما از دسامبر ۲۰۲۲ که نتانیاهو رهبر حزب لیکود با همکاری متحدان جدید افراط‌گرایش، ائتلاف ۲۰۲۱ -۲۰۲۲ را شکست داد و به قدرت بازگشت، روابط آمریکا و اسرائیل در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. پس از دسامبر ۲۰۱۸ که نتانیاهو به اتهام فساد مورد پیگرد قانونی قرار گرفت، انتخابات ۲۰۲۲ پنجمین انتخابات در اسرائیل است که در نتیجه آن نتانیاهو بار دیگر به نخست‌وزیری رسید. ورود شخصیت‌های مشهوری از احزاب راست افراطی مانند بتسلایل سموتریش و ایتامور بن‌گویر در کابینه جدید نتانیاهو، جنجال‌های زیادی را برانگیخته است. این موضوع همچنین توانایی اسرائیل در مدیریت تنش با شهروندان عرب اسرائیلی و حفظ روابط سنتی اسرائیل با ایالات متحده آمریکا و سایر کشورها را زیر سؤال برده است. از سوی دیگر، کابینه جدید طرحی را برای اصلاح قوه قضائیه در اسرائیل پیشنهاد کرده که جنجال‌برانگیز شده است و اکنون این بحث در اسرائیل شدت گرفته که چگونه می‌توان میان قوانین و هنجارهای داخلی و پیامدهای بین‌المللی احتمالی آن توازن ایجاد کرد. این در حالی است که از زمان تشکیل کابینه جدید در دسامبر سال گذشته در اسرائیل، شماری از کارشناسان سیاست خارجی آمریکا درباره روابط آینده ایالات متحده آمریکا و اسرائیل ابراز نگرانی کرده‌اند. آنها با اشاره به ایدئولوژی‌های افراطی متحدان نتانیاهو در کابینه جدید، هشدار داده‌اند که ارزش‌های مشترکی که آمریکا و اسرائیل را به هم پیوند زده، در معرض خطر قرار گرفته است. این هشدارها زمانی جدی‌تر شدند که کابینه جدید اسرائیل طرحی را برای ایجاد اصلاحات ریشه‌ای در سیستم قضائی ارائه کرد. کارشناسان سیاست خارجی آمریکا معتقدند اجرائی‌شدن این طرح ممکن است به بحران قانونی در اسرائیل بینجامد. اشتباه کارشناسان سیاست خارجی آمریکا در این است که هشدارهای خود را تنها بر احتمال به‌خطرافتادن «ارزش‌های مشترک» بنا کرده‌اند، درحالی‌که روابط آمریکا و اسرائیل بر دو پایه «ارزش‌های مشترک» و «منافع مشترک» استوار شده است. ازاین‌رو اگر برنامه‌ها و سیاست‌های کابینه جدید اسرائیل پایه نخست را سست کند، پایه دوم پابرجا باقی می‌ماند و خطری متوجه روابط مشترک راهبردی دو طرف نخواهد شد.

به گزارش ایندیپندنت چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه دولت آمریکا نیز بر همین رویکرد اشتباه استوار است. آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، در نشست مشترکی با بنیامین نتانیاهو در قدس، از روند سیاست‌گذاری اسرائیل ابراز نگرانی کرد و با تأکید بر اهمیت دموکراسی، از نتانیاهو خواست به تعهدات مشترک دو طرف مبنی بر تقویت دموکراسی و دفاع از ارزش‌های آن توجه کند. دو هفته بعد از آن، جو بایدن نیز همین مطالب را تکرار کرد و اظهار کرد که ارزش‌های مشترک اسرائیل و ایالات متحده آمریکا محکی است که بر همه چیز تقدم دارد. او گفت: «برازندگی و نبوغ دموکراسی آمریکا و اسرائیل در این است که هر دو بر نهادهای نیرومند و قوه قضائیه مستقل استوار شده‌اند و از هنجارها و توازن‌های لازم برخوردارند. مهم این است که درمورد ایجاد تغییرات در این منظومه توافق‌نظر وجود داشته باشد تا مردم به آن باور کنند و تداومش امکان‌پذیر شود». اگر ستایش جو بایدن از دموکراسی آمریکا و اسرائیل را بپذیریم اما رفتار غیردموکراتیک کابینه فعلی اسرائیل پذیرفتنی نیست. از گفتمان عمومی دولت بایدن چنین برمی‌آید که در واقع واشنگتن خطری را که کابینه فعلی اسرائیل متوجه ارزش‌های مشترک و منافع مشترک آمریکا و اسرائیل کرده، به‌درستی درک نکرده است. مسئله فلسطین روشن‌ترین مثالی است که کابینه فعلی اسرائیل به‌وسیله آن منافع آمریکا را با خطر مواجه کرده است. البته سیاست‌های توسعه‌طلبانه و خشونت‌آمیز روزافزون کابینه نتانیاهو در کانون توجه آمریکا قرار دارد. برگزاری نشست اضطراری سران در اواخر ماه گذشته و سفرها و بازدیدهای مکرر مقام‌های آمریکایی در هفته‌های اخیر از اسرائیل، از جمله سفر ژنرال مارک میلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، نشان می‌دهد که دولت آمریکا تا چه اندازه به منافع خود در فلسطین توجه دارد. حتی در مسائل امنیتی نیز به نظر می‌رسد گفتمان عمومی واشنگتن فقط در چارچوب «اخلاق و ارزش‌ها» تنظیم شده است. برای مثال زمانی که بتسلایل سموتریش، وزیر دارایی اسرائیل، درباره نابودکردن شهرک حواره در فلسطین صحبت کرد، ند پرایس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، گفته‌های او را محکوم کرد و آن را «غیرمسئولانه، تهوع‌آور و مشمئزکننده» خواند اما این کلمات باوجود تندی و درشتی‌ای که دارند، فقط یک تنفر اخلاقی عمیق را بیان می‌کنند، نه یک خشم سیاسی و دیپلماسی را. تمرکز دولت آمریکا بر ارزش‌های مشترک واقعا شگفت‌آور است، درحالی‌که منافع سیاسی و دیپلماسی آن کمتر از ارزش‌های اخلاقی‌اش در خطر نیست. برای مثال هرگونه بی‌ثباتی در سرزمین‌های اشغالی ممکن است به اردن سرایت کند که اکثر مردم آن در کرانه باختری رود اردن با فلسطینی‌ها هم‌دلی و هم‌نوایی دارند. اردن متحد و شریک اساسی ایالات متحده آمریکا به‌شمار می‌رود؛ بنابراین هرگونه بی‌ثباتی در این کشور منافع آمریکا را به خطر می‌اندازد. افزون بر آن، کشورهایی مانند مصر، عربستان سعودی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، ناگزیر از این وضعیت تأثیر می‌پذیرند و ممکن است مواضعی بگیرند که با منافع سیاسی آمریکا هم‌خوانی نداشته باشد.

به عبارت دیگر، آسیبی را که کابینه نتانیاهو به منافع ایالات متحده آمریکا می‌زند، کمتر از ضرری نیست که به ارزش‌های آن می‌رساند. اکنون وقت آن رسیده است که واشنگتن این حقیقت را درک کند و متوجه شود تا چه اندازه نتانیاهو ممکن است به منافع راهبردی آمریکا در خاورمیانه آسیب بزند.

مردم افغانستان گروگان طالبان

سهیل احسان‌دوست: بحث ماهیت تروریستی گروه طالبان و پناه‌دادن به گروه‌های دهشت‌افکن و ستیزه‌جویان افراطی، دیگر از دستور کار جامعه جهانی از تقابل با طالبان خارج شده است و تمام سعی قدرت‌های جهانی در این راستا قرار گرفته که با مذاکره و هشدار به اصلاح ساختار این گروه بپردازند؛ فقط با گوشزدکردن و از راه گفت‌وگوهای صلح‌آمیز، به دور از تهدید و هرگونه فشاری. انگار چرخه سیاست جهانی بر مراد دل طالبان می‌گردد. با گذشت ۱۸ ماه از حاکمیت طالبان، رویکرد جامعه جهانی با دستاویز قراردادن دفاع از حقوق مردم افغانستان، هیچ‌گونه تغییری را در ساختار و رفتار طالبان در مقابل مردم افغانستان به وجود نیاورده است و طالبان همچنان بر مدار سیاست‌های تندروانه و رفتار سخت‌گیرانه‌شان در تقابل با مردم افغانستان و با قدرت تمام به پیش می‌روند.

تام وست، نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان، گفته است که امیدوار نیست دختران افغان بتوانند در سال تحصیلی جدید به مکاتب و دانشگاه‌ها بروند. از سوی دیگر، توماس نیکلسون، نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان نیز گفته است با وجود پرسش‌های واضح، تعهدی محکم از سوی طالبان درباره اینکه مدارس دخترانه و دانشگاه‌ها برای دختران پس از آغاز سال تحصیلی جدید شروع شود، دریافت نکرده است. دو خبر کوتاه اما ناگوار برای مردم افغانستان و اینکه چرا طالبان در مقابل این‌گونه درخواست‌ها مقاومت می‌کند که پاسخ به آن نیاز به تحلیل و بررسی چگونگی معادلات قدرت در منطقه و بده‌بستان‌های قدرت‌های جهانی و منطقه در رابطه با هم دارد و درخور توجه‌ترین بخش این بده‌بستان‌های جهان و طالبان، در رویه طالبان با مردم افغانستان است؛ در هر برهه‌ای که نماینده یکی از کشورها یا سازمان‌های جهانی با طالبان به بحث و مذاکره نشسته‌اند، طالبان بدون آنکه به خواسته‌های آنها که خواسته اکثریت مردم افغانستان نیز هست، وقعی بگذارند یا عکس‌العملی نشان دهند یا پاسخ واضحی بدهند، بحث مشروعیت‌خواهی و به رسمیت شناخته‌شدن خود را مطرح می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که ظاهرا مردم افغانستان وجه‌المصالحه طالبان با جهان هستند. همچنین نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان در یک نشست خبری در کابل گفته است در دیدار با مقام‌های طالبان درباره حقوق بشر به‌خصوص حقوق زنان و دختران، حق تعلیم، حق کار و حق مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی بحث کرده است. او افزوده است که ممنوعیت کار زنان در مؤسسات داخلی و خارجی یک تخطی آشکار از حقوق زنان برای کار است که در تأمین مخارج آنان و خانواده‌هایشان اثر منفی می‌گذارد. او در آخر تأکید کرده که این موارد خواسته‌های تمام شهروندان افغانستان است.

بحث محدودیت‌های تحصیلی و کار دختران و زنان پس از روی کار آمدن گروه طالبان در افغانستان، عمده‌ترین چالش فراروی مردم افغانستان بوده و در کنار سایر قیوداتی که طالبان بر مردم افغانستان وضع کرده‌اند، این محدودیت‌ها تأثیرات بی‌نهایت مخربی بر روح و روان جامعه امروز افغانستان گذاشته است؛ تا جایی که این فرمان‌ها حتی مخالفت‌هایی را در درون گروه طالبان به وجود آورده است و تلاش جامعه جهانی در تحت فشار قراردادن طالبان برای عدول از این فرمان‌ها تاکنون نتیجه‌بخش نبوده است.

طالبان برای این نوع ممنوعیت‌ها به‌هیچ‌وجه توجیه عقلانی و منطقی نداشته و ندارند؛ تا جایی که حتی صدای مخالفت با این رفتار گروه طالبان در برابر مردم افغانستان از طرف حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه این گروه نیز بلند شده است و این‌گونه رفتارها را تقبیح کرده‌اند. اما اینکه چرا این مخالفت‌ها تأثیرگذار نیست، سؤالاتی را در اذهان عمومی مردم افغانستان ایجاد کرده است که شاید دست‌های قدرتمندی در پشت پرده سیاست در افغانستان از این مواضع طالبان حمایت می‌کنند. دعوای امروز طالبان با جهان بر سر به رسمیت شناخته‌شدن حکومت آنها نزد جامعه جهانی باعث فشارهای مضاعفی بر مردم افغانستان شده است و باج‌خواهی طالبان از جهان برای اصلاح رفتارهای افراطی‌شان علیه مردم افغانستان، در نوع خود کارکرد جدید این گروه در تعاملات بین‌المللی است. از سوی دیگر، رفتار مسامحه‌گرانه جهان و مماشات بیش از حد جامعه جهانی در برخورد با طالبان نیز به نوبه خود جزء استثنائاتی است که تاکنون در دنیا سابقه نداشته است. از طرفی هر اندازه رفتار طالبان در مقابل مردم افغانستان خشن‌تر و ضدانسانی‌تر می‌شود و زیاده‌خواهی‌های این گروه فزونی می‌گیرد، جهان در مقابل این گروه نرمش بیش از حد به خرج می‌دهد و این جهان است که با باج‌دادن به طالبان، با آن کنار می‌آید و درک این قضیه برای مردم افغانستان مشکل است که چرا جهان این‌گونه رفتار می‌کند.

امروزه در تعاملات جهان با طالبان، مردم افغانستان نقش گروگان را بازی می‌کنند و تمرکز قدرت‌های صاحب نفوذ در افغانستان بر حمایت لفظی از مردم این کشور صرفا می‌تواند به نوعی فرافکنی برای جلب توجه افکار عمومی به رفتار انسانی‌شان در حمایت از این مردم باشد و برائتشان از قصور در قضیه افغانستان و اینکه خودشان این سرزمین و مردم آن را در دام این گروه انداخته‌اند، موضوعی است که نه از دید مردم افغانستان پنهان خواهد ماند و نه از دید افکار عمومی دنیا.

ادامه از صفحه اول

سلامت اجتماعی*

۳- شفافیت احکام دادگاه‌های سیاسی که مستقیم بر روابط سیاسی ما تأثیر می‌گذارد و احکام آن اگر برای عموم قابل توجیه نباشد، می‌تواند جامعه را به سوی ناسلامتی اجتماعی سوق دهد.

۴- «استیناف و نهادها و رویه‌های عدالت فرایندی» که مردم را نسبت به دقت در بررسی احقاق حقوق خود و دیگری مطمئن کند.

۵- نسبت زندانیان امنیتی به سیاسی و سیاسی به جرائم عمومی و شفافیت جرم سیاسی.

۶- امنیت روانی شهروندان از فعالیت‌های سیاسی، پذیرش انتخابات، اعتماد به فرایندهای انتخاباتی.

۷- کارراهه سیاسی (Political Career) و احساس آزادی.

۸- مشارکت در تصمیم‌گیری سیاستی و سیاسی.

۹- میزان بهره‌مندی از نیروی انسانی ملی.

البته به این شمار می‌توان افزود و آنها را دسته‌بندی کرد. مهم این است که با رویکردی نهادی-روان‌شناسی همه این عوامل را از حیث سلامت اجتماعی ببینیم و بدانیم که هرگونه تصمیم سیاستی ما تا چه حد می‌تواند جامعه را بیمار کند.

یکی از موارد مهم در سلامت اجتماعی میزان توجه ما به عرف و مخاطرات ناشی از محدودیت‌های آن است. هرچه جامعه در برساخت عرف خویش آزاد باشد، از سلامت اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد بود و از شائبه تبعیض فرهنگی از سوی سایر گروه‌های اجتماعی یا از احساس سرکوب‌شدگی دور خواهد ماند. در صورتی که بخش‌هایی از جامعه احساس کنند که در زیر سایه سنگین یک سبک زندگی خاص هستند، می‌توان گفت که احتمالا احساس بیشتری از تبعیض، فرونهادگی فرهنگی، تبعیض و حتی سرکوب فرهنگی را تجربه خواهند کرد. مثلا شما اگر اجرای یک سرود، یک نمایش، یک مجموعه تلویزیونی و تکرار آن را به ابزاری برای «لشکرکشی» اجتماعی تبدیل کنید حتما دیگران را دچار آسیب ارتباطی می‌کنید، چون احساس انزوای اجتماعی-ارتباطی برای دیگران پدید می‌آید و حتی به اغراض تبلیغاتی و فرهنگی خود نیز نایل نمی‌شوید. گاهی انسان به صورت غریزی، ناآگاهانه، ناخواسته و حتی نیندیشیده دست به سرکوب دیگران می‌زند و سلامت اجتماعی را تهدید می‌کند. همه ما باید به این ظرایف ارتباطاتی توجه کنیم که جامعه سالمی داشته باشیم. یک سرود زیبا می‌تواند برای شمار گسترده‌ای از هم‌میهنان فرح‌بخش باشد اما تکرار همیشگی آن می‌تواند نقض غرض شود و به دیگران آسیب برساند. تکرار، تکرار و تکرار چنین سرودها یا نمایش‌هایی، با هر سطحی از ارزش هنری یا مقبولیت اجتماعی، شائبه استخفاف فرهنگی و تبعیض اجتماعی علیه دیگران را دامن می‌زند؛ هشیار باشیم. مشفقانه می‌گویم برای امنیت خودتان هم که شده، به مقوله «سلامت اجتماعی» بیندیشید. چون دقیقا به همین دلیل است که جامعه به کسان (ناکسان) و گروه‌هایی روی می‌آورد که حیرت ما را برمی‌انگیزد. گرایش جامعه به «ناکسان» به «زردها» به «فروپاشی و تجزیه کشور» به «باخت تیم ملی خود» یک بیماری اجتماعی است و سیاست‌گذاران نقش مهم‌تری در پدیدارشدن این بیماری اجتماعی دارند. بیمار بزرگ‌تر خود ماییم که دیگران را آلوده سیاست‌های خود می‌کنیم. از خود می‌پرسیم مگر می‌شود که فلان «لمپن» سیاسی یا اجتماعی این همه طرفدار داشته باشد؟ پاسخ این است که آری می‌شود! چون گاهی با سیاست‌های ضد سلامت اجتماعی (عموما به این دلیل که دانشی در حوزه سلامت اجتماعی نداریم) به سرکوب فرهنگی و اجتماعی اقدام می‌کنیم و برخی از مخاطبان سیاست‌های خود را به ورطه بیماری اجتماعی و بلکه بیماری روانی می‌کشانیم. گروهی در پی منافع خود، دانسته یا نادانسته، سیاست‌هایی که سبک زندگی خاص، سبک جشن و سرور خاص، سبک روابط اجتماعی و روابط کاری خاص، سبک گزینش سیاسی خاص و... را به نمایش و اجرا می‌گذارند و بزرگ‌ترین آسیب‌ها را به سلامت اجتماعی مردم می‌زنند. به سلامت اجتماعی و به مسئولیت خود در بروز بیماری‌های اجتماعی، جامعه‌ستیزی، دین‌گریزی و... بیندیشیم. بیماری‌های اجتماعی، بلایای اجتماعی‌اند. البته شهروندان، در هرجای دنیا، از این حیث که در معرض ناسلامتی‌های اجتماعی هستند، باید بیش و پیش از هر چیز از خود مراقبت کنند. ما چه در آمریکا و اروپا و چه در ایران زندگی کنیم، همواره در معرض ناسلامتی اجتماعی هستیم. همه دولت‌ها درگیر چنین پیامدهایی در سیاست‌هایشان هستند و به سلامت اجتماعی کم‌وبیش آسیب می‌رسانند. نمی‌توان منتظر بود تا سیاست‌ها اصلاح شود. البته که باید سیاست‌گذاری عمومی اصلاح شود. ولی تا پیش از آن باید «خودمراقبتی» کرد و روش‌هایی برای سلامت اجتماعی توسط کارشناسان و مشاوران شناسایی و توسعه داده شود. مثلا اینکه عکس‌ها و فیلم‌هایی را که حاوی خشونت هستند، بر خود تحریم کنیم. برخی شبکه‌های اجتماعی را که با روح و روان ما بازی می‌کنند، با مشورت با کارشناسان حذف کنیم یا نادیده بگیریم. خود را در معرض بسیاری از خبرها، اعم از رسمی و غیررسمی، قرار ندهیم، جدل‌های سیاسی تند و تیز را در خانواده یا در میان دوستان ممنوع کنیم تا سلامت اجتماعی‌مان در امان بماند. روابط خانوادگی و دوستی پایه سلامت اجتماعی است.

*** این نوشتار خلاصه‌ای از سخنرانی در دانشگاه آزاد واحد تهران شمال در نشست «سلامت اجتماعی» است که در شانزدهم اسفندماه ایراد شده است.**

آگهی مزایده فروش سهام

شرکت توسعه سرمایه گذاری امیرمنصورآریا، مالک ۹۹/۸ درصد، معادل ۹۹۸ سهم از ۱۰۰۰ سهم شرکت کیمه طرح ایرانیان(سهامی خاص) به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۴۴۵۴۶ در نظر دارد سهام متعلق به خود را از طریق مزایده به فروش برساند.شرکت کیمه طرح ایرانیان در تاریخ ۱۳۸۸/۰۲/۱۳ با سرمایه ثبتی ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تأسیس شده و موضوع فعالیت آن ارائه خدمات دکوراسیون داخلی، تأمین و تجهیز قطعات، واردات و صادرات کلیه کالاهای مجاز و خدمات نمایشگاهی است. از کلیه علاقمندان به شرکت در مزایده دعوت می شود برای دریافت شرایط مزایده، از تاریخ انتشار آگهی، حداکثر ظرف ۳ روز کاری از ساعت ۹ صبح تا ۱۵ به شرکت توسعه سرمایه گذاری امیرمنصورآریا به نشانی تهران- خیابان احمدقصیر- انتهای کوچه ششم- پلاک یک- واحد ۱۹ مراجعه نمایند.

شرکت توسعه سرمایه گذاری امیرمنصور آریا

پروانه کسب **اینجانب حاکم زیدی بقراباد** به شماره ۰۴۶۶۸۵۳۴۴۸ مربوط به اتحادیه نانوایان تهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب نیلوفر قدیری پناه** فرزند محمد به شماره شناسنامه ۹۲۲۱۰ صادره از تهران در مقطع کاردانی رشته فنی عمران-کارهای عمومی ساختمان صادره از موسسه آموزش عالی غیر دولتی-غیر انتفاعی صدرالمتالهین (صدرا) با شماره ۱۳۹۳ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به موسسه آموزش عالی غیر دولتی-غیر انتفاعی صدرالمتالهین (صدرا) به نشانی تهران منطقه ۲۲ بزرگراه شهید خرازی، خروجی بلوار کاشان جنوب، میدان موج، بلوار علامه قزوینی نبش میلاد یکم ارسال نماید

آگهی فروش اموال از طریق مزایده

شرکت صنایع فراز نمونه قشم (سهامی خاص) در نظر دارد دو دستگاه خودرو سمند را از طریق مزایده واگذار نماید.
لذا از متقاضیان درخواست می گردد از تاریخ درج آگهی به مدت سه روز پیشنهاد خود را کتباً و در پاکت در بسته به این شرکت اعلام نمایند.
ضمنا جهت بازدید از خودروهای مذکور و اطلاع از شرایط مزایده با شماره تلفن: ۴۴۹۰۱۶۸۵ داخلی ۳۱۹ تماس حاصل فرمائید.

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق
۸۶۰۳۶۱۱۹